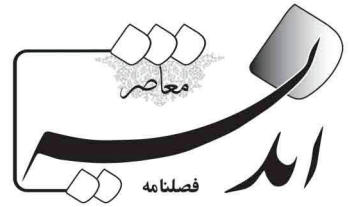




بنياد انديشه
۱۳۹۱



نشریه علمی - تخصصی بنیاد اندیشه
سال دوم، شماره هشتم، تابستان ۱۳۹۶

ویژه اقتصاد و اداره

صاحب امتیاز: بنیاد اندیشه

مدیرمسئول: داکتر محمدامین احمدی

معاون مدیرمسئول: داکتر امان‌الله فصیحی

سر دبیر: داکتر فرید خروش

دبیر این شماره: محمد توسلی غرjestانی

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

احمدعلی علی‌زاده، دین محمد جاوید، داکتر
زکیه عادل، عبدالحمید عارفی، داکتر عبدالله
شفایی، علی امیری، داکتر علی محمد میرزایی،
داکتر غلام‌سخی احسانی، قربانعلی انصاری،
محمد توسلی غرjestانی، داکتر محمدجواد
صالحی، محمدرسور جوادی، داکتر محمدشفق
خواتی، داکتر محمدعلی جوای، محمد هدایت.

مدیر اجرایی: رشید محمدی

ویراستار: محمدقاسم الیاسی تُرگانی

طراح جلد: هادی مروج

صفحه‌آرا: علی جمعه محمدی

فصلنامه اندیشه معاصر در ویرایش مطالب آزاد است.
نظرات طرح‌شده در مقالات الزاماً دیدگاه فصلنامه
اندیشه معاصر نیست.

تمام حقوق مادی و معنوی فصلنامه اندیشه معاصر
برای بنیاد اندیشه محفوظ است.

استفاده از مطالب فصلنامه اندیشه معاصر فقط با ذکر
منبع مجاز است.

قیمت: ۲۰۰ افغانی

راهنمای تهیه و تنظیم مقالات جهت انتشار در فصلنامه بنیاد اندیشه (الف) شرایط عمومی مقالات

۱. مقالات ارسالی باید برخوردار از صیغه تحقیقی - تحلیلی، ساختار منطقی، انسجام محتوایی، روش مند، مستند و مستدل بوده با قلمی روان و رسا نگارش یافته باشند.

۲. مقالات ارسالی حتی‌الامکان تایپ شده و به اداره فصلنامه بنیاد اندیشه ارسال شود و یا فایل آن از طریق پست الکترونیکی به نشانی اینترنتی مجله اندیشه ایمیل گردد.

۳. حجم مقالات حداقل در ۳۰۰۰ کلمه و حداکثر در ۸۰۰۰ کلمه تنظیم شود.

۴. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام و تخلص، رتبه علمی، تحصیلات، ایمیل و شماره تلفن تماس همراه با مقاله ارسال شود. مقالات کتابخانه‌ای دارای یک نویسنده و مقالات تحریری یا ساحوی می‌تواند بیشتر از یک نویسنده داشته باشد. ۵. مقالات ارسالی نباید قبلاً در نشریات داخلی، خارجی، سایت و یا به عنوان بخشی از یک کتاب چاپ شده باشند.

۶. با مقالات ترجمه شده، اصل آن نیز ضمیمه شود.

(ب) نحوه تنظیم مقالات

مقالات ارسالی باید دارای ساختار علمی باشند؛ یعنی دارای عنوان، مشخصات نویسنده یا نویسندگان، چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، قسمت اصلی، نتیجه و فهرست منابع باشند.

۱. چکیده: چکیده فارسی مقاله حداکثر ۱۵۰-۱۷۰ کلمه تنظیم گردد. چکیده باید به اختصار شامل: بیان مسأله، هدف پژوهش، روش و چگونگی پژوهش و یافته‌های مهم پژوهش باشد. در چکیده از طرح فهرست مباحث یا مرور بر آنها، ذکر ادله، ارجاع به مأخذ و بیان شعاری خود داری گردد.

۲. کلیدواژه‌ها: شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی مرتبط با محتوا که ایفاگر نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.

۳. مقدمه: مقدمه مقاله به بیان مسأله تحقیق، پیشینه پژوهش، ضرورت و اهمیت پژوهش، اهداف، جنبه نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی از ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی طرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله اختصاص می‌یابد.

۴. قسمت اصلی مقاله: چارچوب نظری یا مفهومی، روش تحقیق، مواد شامل شواهد، مدارک، استدلال، تحلیل و نقد و بررسی.

۵. نتیجه‌گیری: نتیجه مقاله بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است که به صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌گردد و پاسخ اجمالی به سؤالات اصلی و فرعی مقاله داده می‌شود و از ذکر بیان مسأله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، چارچوب نظری، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استقرادی در این قسمت خودداری شود.

۶. نحوه ارجاع دهی

درون متنی: (تخلص، سال انتشار: شماره صفحه) برای مثال: (محمدی، ۱۳۹۰: ۲۲۰)

(ج) فهرست منابع

۱. کتاب: تخلص، نام (سال انتشار)، عنوان اثر، نام و تخلص مترجم، محل نشر: ناشر.

۲. مجله: تخلص، نام (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، نام و تخلص مترجم، نام مجله، سال انتشار، (شماره مجله): صفحات مقاله.

■ افغانستان و میراث اقتصاد غارت/ داکتر فرید خروش / ۳

الف: مطالعات اقتصادی

■ مفهوم، مبانی و ضرورت استفاده از ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)/ داکتر عبدالله شفايي / ۹

■ نگاهی بر قانون بانک‌داری اسلامی افغانستان و ارائه الگوی پیشنهادی (با تأکید بر تأمین مالی خرد)/ محمد توسلی غرjestانی / ۳۵

■ تحلیل اقتصادی حقوق (مفهوم، مبنا و روش)/ دکتر علی محمد میرزایی / ۶۵

■ کاهش ارزش پول ملی در برابر اسعار خارجی؛ فرصت‌ها و تهدیدها/ سید طالب علوی / ۸۷

■ بررسی ظرفیت‌ها و قابلیت پایه در سیستم اقتصادی افغانستان/ محمد جان رحمانی / ۱۱۵

■ تأثیر حمل و نقل عمومی در رسیدن به اهداف توسعه پایدار/ علی دانش / ۱۴۵

■ فرصت‌ها و چالش‌های بخش زراعت در افغانستان/ حسین فیاض / ۱۷۳

■ تأثیر امنیت اقتصادی بر توسعه اقتصادی افغانستان/ مصطفی احمدی / ۱۹۵

■ دورنمای عواید داخلی افغانستان/ احمدشاه مبارز / ۲۱۷

■ بررسی فرصت‌ها و چالش‌های عضویت افغانستان در سازمان تجارت جهانی/ محمدصابر قیومی / ۲۲۵

■ روش‌های حمایت از صنایع دستی و بازاریابی تجارت بین‌الملل با هدف صادرات/ آمنه امیری دانش / ۲۵۳

■ گزارش، بررسی و نقد وضعیت کارآفرینی در افغانستان/ عبدالله غفاری / ۲۶۵

■ چندانجه‌گرایی در قرن بیست و یکم یک نیاز پایدار/ فاطمه احمدی / ۲۷۹

ب: اداره

■ حکومت‌داری الکترونیکی در افغانستان (مطالعه موردی، تذکره الکترونیکی)/ داکتر سلیم ساعی / ۲۹۹

■ ضرورت دولت الکترونیک در افغانستان (طراحی ایجاد یک سیستم دیتابیس نمونه)/ ثریا سهیلی / ۳۱۱

■ مزایا و چالش‌های دولت الکترونیک/ معصومه جعفری / ۳۳۱

■ شرایط اخلاقی استخدام نیروی انسانی در سازمان‌های عمومی افغانستان: رویکرد اسلامی/ محمدرضا

رحیمی / ۳۵۱

افغانستان و میراث اقتصاد غارت

داکتر فرید خروش*

از نقطه نظر اقتصادی یک تشابه تاریخی پارادوکسیکال و در عین حال قابل تأمل بین افغانستان و آمریکا وجود دارد. تاریخ تأسیس حکومت‌داری و پایه‌ریزی نظام اقتصادی در هر دو کشور بسیار نزدیک به هم است. سنگ‌بنای افغانستان به عنوان یک واحد جغرافیایی مستقل در سال ۱۷۴۷ میلادی نهاده شده است و تاریخ کسب استقلال آمریکا از بریتانیا و تأسیس نظام حکومتی فدرال در این سرزمین، به ۲۹ سال بعد از تاریخ تأسیس افغانستان، یعنی به سال ۱۷۷۶ بر می‌گردد که از این منظر، سابقه تأسیس حکومت‌داری مستقل در آمریکا حتی کمتر از افغانستان است. اما امروزه در تعاملی که بین دو کشور وجود دارد، افغانستان به بزرگترین دریافت‌کننده کمک‌های اقتصادی آمریکا تبدیل شده است و در جانب مقابل، آمریکا در جایگاه بزرگترین ارائه‌کننده کمک‌های اقتصادی به افغانستان قرار گرفته است.

پرسش اساسی اما این است که افغانستان و آمریکا چه مسیرهای متفاوتی را طی کرده‌اند که اولی به بزرگترین دریافت‌کننده کمک‌های اقتصادی و دومی به بزرگترین ارائه‌کننده کمک‌های اقتصادی بدل شده است؟

برای جواب به این پرسش، باید سیاست‌های اقتصادی که هر دو کشور بعد از تأسیس حکومت‌داری مستقل در پیش گرفتند، مورد تحلیل قرار گیرد. آمریکا بعد از کسب استقلال و با در نظر داشت چالش‌های داخلی و بین‌المللی، با قدرتهای متعارض آن روز اروپا به این

* تحلیل‌گر و استاد دانشگاه کاتب.

تفاهم رسید که سیاست انزوای سیاسی را پیشه کرده و در امور همدیگر مداخله نکنند. در طول دوره سیاست انزواگرایی که تا جنگ جهانی اول ادامه یافت، آمریکایی‌ها در اوضاع و احوال اقتصادی شان تأمل کردند و بر اساس یک واقع‌نگری اقتصادی، به شناسایی پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های داخلی کشورشان پرداختند. حاصل این تأمل و شناسایی دقیق، پایه‌ریزی یک نظام اقتصاد قدرتمند بر بنیاد پتانسیل و ظرفیت‌های داخلی آمریکا بود. مردم جهان و بویژه قدرت‌های استعمارگر اروپایی زمانی به راز و رمز سیاست گوشه‌گیری و انزوای ایالات متحده آمریکا پی بردند که طی جنگ جهانی دوم، آمریکا در قامت یک قدرت عظیم اقتصادی و نظامی نه تنها ناجی اروپا از سلطه نازی‌ها شد، بلکه ویرانه‌های جنگ در اروپا نیز با کمک‌های اقتصادی آمریکا (در چارچوب طرح مارشال) اعمار و بازسازی گردید.

اما افغانستان در دوره مشابه، مسیر متفاوتی را در پیش گرفت. در زمانی که آمریکایی‌ها پایه‌های اقتصاد مدرن‌شان را بر مبنای پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های داخلی‌شان استوار می‌کردند، زمامداران آن روز افغانستان به جای توجه به ظرفیت‌های داخلی، نگاه‌شان به ماورای مرزهای افغانستان، بویژه هندوستان بود. واقعیت این بود که تار و پود ساختار حکومتی که در سال ۱۷۴۷ توسط احمدشاه درانی در افغانستان تأسیس شد، ریشه در تفکر قبیله‌ای و شیوه‌های زندگی عشیره‌ای داشت و همین ویژگی سبب شده بود که نه تنها درک و فهم درستی از روندهای سیاسی و اقتصادی آن روز جهان نزد حاکمان افغانستان وجود نداشته باشد، بلکه در عمل نیز از شناسایی پتانسیل‌های بالقوه اقتصادی افغانستان و برنامه‌ریزی برای تبدیل کردن آن به توان بالفعل اقتصادی عاجز بودند. همین نگاه قبیله‌ای به سیاست و اقتصاد بود که باعث شده بود هرگاه خزانه حکومت خالی می‌شد، اسب‌ها را زین می‌کردند و به قصد تأمین نیازهای مالی و کسب باج و خراج، به شبه‌قاره هند لشکر می‌کشیدند. به مرور زمان لشکرکشی‌های پی‌درپی به هندوستان تبدیل به یک سنت و راهی برای تأمین هزینه‌های دولت شد و به این ترتیب ساختار یک نظام اقتصادی خاص به نام «اقتصاد غارت» یا «اقتصاد تاراج» در افغانستان پایه‌ریزی، تحکیم و تثبیت گردید. تکیه بر اقتصاد غارت بیش از هر عامل دیگری در شکل‌نگرفتن یک نظام اقتصادی پایه‌دار مبتنی بر داشته‌ها و ظرفیت‌های داخلی در افغانستان نقش ایفا کرده است. نظام اقتصادی غارت که دست‌آوردهایش معمولاً بدون به کارگیری تفکر خلاق و فقط با زور شمشیر به دست می‌آمد، به مرور زمان با زندگی اقتصادی مردم افغانستان چنان عجین شد که حکومت‌ها هیچگاه موفق به

ساختن یک نظام اقتصادی کارآمد بر مبنای توانمندی‌های داخلی افغانستان نشدند. تفکر اقتصاد غارت به آن اندازه بر ذهن و روان مردم افغانستان تأثیر دیرپا گذاشته است که حتی در حال حاضر و در یک‌ونیم دهه گذشته، اختلاس و حیف و میل میلیاردهای دالر کمک‌های جامعه جهانی تنها در همین چارچوب قابل تحلیل و تبیین است.

یک جستجوی ساده در کتابخانه‌ها و آرشیف رسانه‌های چاپی افغانستان این حقیقت را روشن می‌کند که چه در گذشته و چه در حال حاضر، نشریه‌ای که با رویکرد تخصصی مسایل اقتصادی افغانستان را در محور مباحث خود قرار داده باشد، نداشته‌ایم. در حالی که افغانستان در دهه‌های گذشته همواره در جمع سه فقیرترین کشورهای جهان طبقه‌بندی شده است و فقر به عنوان زیربنای اصلی معضلاتی چون نبود رفاه اقتصادی، عدم استحکام زیرساخت‌ها صنعتی، نبود راه‌های مواصلاتی و ترانسپورتی، بالا بودن نمودار بی‌سوادی، و مهمتر از همه رشد افراطی‌گرایی مطرح بوده است، اما در کمال تعجب کمترین توجه و هزینه روی پژوهش‌ها و مطالعات اقتصادی صورت گرفته است.

حکایت بالا بیشتر معطوف به بخش خصوصی و رسانه‌های چاپی مستقل افغانستان است. زمانی که پای مسئولیت دولت‌های گذشته و حتی دولت فعلی افغانستان به میان می‌آید، نتیجه به مراتب تأسف‌بارتر می‌شود. هیچیک از حکومت‌های گذشته افغانستان نه تنها یک طرح کارآمد اقتصادی مبتنی بر ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های اقتصادی افغانستان نداشته‌اند، بلکه حتی نتوانسته‌اند یک نشریه یا مجله تخصصی اقتصادی برای ارائه طرح‌ها، دیدگاه‌ها و تحلیل‌های اقتصادی ارائه و منتشر نمایند.

طی بیش از یک‌ونیم دهه گذشته که میلیون‌ها دالر کمک اقتصادی به افغانستان سرازیر شد، امیدواری‌های نیز به میان آمد که بخش برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اقتصادی چه در سکتور خصوصی و چه در سکتور دولتی رشد کند. اما این مهم هیچگاه به واقعیت مبدل نشد و ما امروز همچنان شاهد سلطه و سیطره تفکر اقتصاد غارت بر تمام بخش‌های دولتی و خصوصی هستیم و تنها چیزی که تغییر کرده، مدرن‌شدن و پیچیده‌شدن روش‌های تداوم اقتصاد غارت است. شکل نگرفتن یک برنامه بلندمدت و کارآمد اقتصادی و همزمان همه‌گیر شدن پدیده بسیار عجیب

«خیالی» در قالب مکاتب خیالی، پولیس خیالی، سرباز خیالی، شفاخانه‌های خیالی و... بیش از هر چیزی وجود تفکر اقتصاد غارت را در نظام اقتصادی امروز افغانستان به نمایش می‌گذارد.

طی دو سالی که از عمر تأسیس فصلنامه اندیشه معاصر می‌گذرد، ما در هر شماره یکی از مباحث بنیادی و ضروری افغانستان را محور پژوهش قرار داده‌ایم. این شیوه بیانگر نگاه و رویکرد تخصصی ما به موضوعات زیربنایی افغانستان است. بر همین اساس بوده که این شماره از مجله اندیشه معاصر به مطالعات اقتصادی و اداره اختصاص یافته است. مقالات این شماره مهمترین ویژگی‌ها و نیازهای نظام اقتصادی افغانستان و موارد مهمی چون لزوم حکومت‌داری الکترونیک، بررسی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های پایه در سیستم اقتصادی افغانستان، بررسی وضعیت کارآفرینی در افغانستان، دورنمای عواید داخلی افغانستان، قانون بانکداری اسلامی در افغانستان، تأثیر زیرساخت‌های حمل و نقل بر توسعه پایدار افغانستان، و... را به عنوان ضرورت‌ها و اولویت‌ها مورد تبیین و تشریح قرار داده است.

اختصاص این شماره فصلنامه اندیشه معاصر به مطالعات مرتبط با اقتصاد و اداره شاید نتواند تمام نیازهای موجود در این عرصه را پوشش دهد، اما می‌تواند آغازی باشد برای اینکه اقتصاد و مدرنیزاسیون نظام اداری به عنوان ضرورت بنیادی افغانستان در محور توجه پژوهشگران و دولتمردان قرار گیرد.

الف: مطالعات اقتصادی

- مفهوم، مبانی و ضرورت استفاده از ابزارهای مالی اسلامی (صکوک) / داکتر عبدالله شفایی
- نگاهی بر قانون بانکداری اسلامی افغانستان و ارائه الگوی پیشنهادی (با تأکید بر تأمین مالی خرد) / محمد توسلی غرجستانی
- تحلیل اقتصادی حقوق (مفهوم، مبنا و روش) / دکتر علی محمد میرزایی
- کاهش ارزش پول ملی در برابر اسعار خارجی؛ فرصت‌ها و تهدیدها / سید طالب علوی
- بررسی ظرفیت‌ها و قابلیت پایه در سیستم اقتصادی افغانستان / محمد جان رحمانی
- تأثیر حمل و نقل عمومی در رسیدن به اهداف توسعه پایدار / علی دانش
- فرصت‌ها و چالش‌های بخش زراعت در افغانستان / حسین فیاض
- تأثیر امنیت اقتصادی بر توسعه اقتصادی افغانستان / مصطفی احمدی
- دورنمای عواید داخلی افغانستان / احمدشاه مبارز
- بررسی فرصت‌ها و چالش‌های عضویت افغانستان در سازمان تجارت جهانی / محمدصابر قیومی
- روش‌های حمایت از صنایع دستی و بازاریابی تجارت بین‌الملل با هدف صادرات / آمنه امیری دانش
- گزارش، بررسی و نقد وضعیت کارآفرینی در افغانستان / عبدالله غفاری
- چندجانبه‌گرایی در قرن بیست و یکم یک نیاز پایدار / فاطمه احمدی